

بررسی نوع پوشش و حجاب زنان در دوره قاجار با نگاهی به آثار سیاحان خارجی این دوره

(از پادشاهی آقا محمد خان تا دوران مظفرالدین شاه)

محمد رضا علم

استاد گروه تاریخ، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

mralam36@yahoo.com

سکینه دنیاری (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

sakinedonyari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

چکیده

یکی از مهمترین مسائلی که همواره مورد توجه بوده است بحث حجاب و عفاف میباشد. با توجه به اهمیت این دو مقوله بررسی نوع حجاب زنان در طول تاریخ حائز اهمیت میباشد. یکی از دورانهای تاریخی که زنان نوع پوشش خاصی داشته اند دوره قاجار میباشد. از عصر باستان تا دوره قاجار زنان همواره دارای جایگاه های متفاوتی بوده اند و این نقش در دوره قاجاریه نسبت به دوره های قبل اهمیت بیشتری پیدا می کند. در این دوره زنان همواره حجاب داشته و با چادرهایی که به همراه روبند استفاده میشد در اجتماع حضور داشتند. هدف از این پژوهش بررسی وضعیت اجتماعی زن ایرانی با تاکید بر نوع پوشش و حجاب آنها در خانه و اجتماع و نوع پوشش زنان اقلیت های دینی، ارمنی و زرتشتی از دوره پادشاهی آقا محمد خان تا دوران مظفرالدین شاه با تکیه بر آثار سیاحان خارجی این دوره میباشد. پرسش اصلی این است که سیاحان خارجی نوع پوشش زنان ایرانی و اقلیت های دینی در این دوره را چگونه روایت کرده اند؟ نتیجه این پژوهش که با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای سامان یافته است این است که نوع پوشش با توجه به پایگاه طبقاتی زنان از قشر ضعیف و ثروتمند جامعه متفاوت بوده است، چنانکه نوع پوشش زنان درباری و بزرگان با تجملات بیشتری نسبت به سایر زنان برخوردار بوده است و تفاوت هایی میان لباس زنان در نوع دوخت، رنگ، پارچه و زیورآلات آنان وجود داشته است. نوع پوشش زنان اقلیت این دوره نیز با توجه به اعتقادات مذهبی آنان متفاوت بوده است. زنان ارمنی عمدتاً پیراهنهای قرمز و زرد ملیله دوزی شده و چادرهای سفیدی به سر داشتند و در لباسهایشان از نوعی دهان بند استفاده میکردند. زنان زرتشتی دستمال های رنگی به سر داشتند و از چادر استفاده میکردند. بیشتر لباسهای آنان ابریشمی و با زیورآلات خاصی تزیین میشد.

واژگان کلیدی: زنان قاجاری، چادر، پوشش، حجاب، اقلیت های دینی.

زنان در دوران قاجار همواره مانند سایر دوره های تاریخی پوشش و حجاب داشته اند، به گونه ای که هنگام حضور در جامعه از چادرهایی مشکی به همراه روبنده هایی سفید استفاده می کردند. با توجه به مناسبات سیاسی و اقتصادی در دوره قاجار با کشور هایی اروپایی افرادی در سمت های سیاسی و یا با هدف گردشگری و سیر و سیاحت و پزشکیانی که برای طبابت در دربار پادشاهان قاجار حضور می یافتند تمام مشاهدات و خاطرات خود را به رشته تحریر درآورده اند، با بررسی این دسته آثار توجه خواننده به نوع وضعیت اجتماعی اقشار مختلف جامعه و از جمله زنان متوجه می گردد. سیاحان در این دوره با دقت به نوع وضعیت زنان اعم از روستایی، عشایر و شهری و در پاره ای موارد زنان اقلیت های دینی اشاراتی دارند که از موضوعات مورد توجه آنان بحث حجاب و نوع پوشش زنان در عصر قاجار با نگاه یک اروپایی می باشد. با توجه به اینکه زنان در اندورن و بیرون خانه همواره در حجاب و پوشش چادر و روبنده بوده اند تنها سیاحان زمانی که زنان برای گردش به بازار می آمدند به نوع حجاب آنان دقت کرده و مشاهدات خود را نوشته اند و تعدادی از این سیاحان از جمله خانم لیدی شیل و کلارا رایس به تفحص بیشتری به نوع پوشش زنان درباری پرداخته چون توانسته اند به دربار راه پیدا کنند و در پاره ای موارد در مهمانی های زنان شرکت جویند.

بر همین اساس این پژوهش بر مبنای این سوال اصلی ذیل است که، سیاحان خارجی نوع پوشش زنان ایرانی و اقلیت های دینی در این دوره را چگونه روایت کرده اند؟ در واقع هدف از این پژوهش بررسی نوع پوشش و حجاب زنان در دوره قاجار با تکیه بر نوشته ها و مشاهدات سیاحان خارجی این دوره که از منابع دست اول هستند، می باشد. از جمله منابع مورد استفاده میتوان از سفرنامه

اولیویه^۱، درویل^۲، دیولافوا^۳، لیدی شیل^۴، دکترویلز^۵، خانم کارلا سرنا^۶، کلارا رایس^۷ و هانری رنه دالمانی^۸ اشاره کرد. تحقیق حاضر پژوهشی نظری (توصیفی - تحلیلی) بوده و مبتنی بر منابع کتابخانه ای و براساس نوشته های سفرنامه نویسان در این دوره که از منابع دست اول و همچنین برخی منابع و پژوهش های جدید در این دوره گردآوری شده است. در ارتباط با پیشینه این پژوهش مقاله ای با عنوان «نگاهی به لباس اندرونی زنان در سفرنامه سیاحان عصر قاجار» به نویسندگی زهرا سموعی کار شده است که در این مقاله نویسنده صرفاً به نوع پوشش زنان در خانه عمدتاً از طبقات پایین جامعه و در برخی موارد زنان درباری اشاره شده است در صورتی که پژوهش حاضر به نوع پوشش اندرونی، بیرونی زنان از طبقات مختلف و همچنین نوع پوشش زنان اقلیت های دینی بررسی شده است.

۱. بررسی اجمالی نوع پوشش و حجاب زنان از دوره باستان تا پایان دوره صفویه:

در دوران ماد، زنان اشراف که وابسته به طبقات بالای جامعه بودند از نوعی لباس چین دار با شال تزئینی استفاده می کردند که این طرح لباس عبارت بود از پیراهنی بلند که تا روی پاها کشیده می شد و دو قطعه پارچه ی شال مانند به صورت آستین های باز و بدون درز در سرشانه قرار می گرفت. (حجازی، ۱۳۷۰: ۱ / ص ۱۱۵) در دوره اشکانیان اجزای تشکیل دهنده پوشش زنان شامل پیراهن، چادر و کفش بود. پوشاک بانوان در آن دوره، پیراهن بلند است که تا روی زمین می رسیده و نیز فراخ، پرچین و آستین دار بوده است. پیراهنی دیگر داشته اند که روی اولی می پوشیدند. قد این یک نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است و روی این دو پیراهن چادری بر سر می کردند. (ضیاء پور، ۱۳۴۷: ص ۸۳، ۸۴ و ۸۱) چادر نه تنها در دوره هخامنشیان و اشکانیان بلکه در دوره

۱. Olivier

۲. Drouville

۳. Dieulafoy.

۴. Shill

۵. Wills

۶. Carla Serena

۷. Clara Colliver Rice

۸. Henry Rene D,Allemagne

ساسانیان نیز مورد استفاده بانوان بوده است. زنان در عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین به سر می کردند که تا وسط ساق پا می رسیده است. (جمالی زاده، ۱۳۸۹: ص ۸۳)

در قرون اولیه اسلام، زنان عرب لباس ساده داشتند که از چهار تکه اصلی تشکیل می شد. پیراهنی بلند به نام دراعه یا خمار- که سرگردن را می پوشاند، جلباب که سر تا پا را مستور می داشت و ازار که تمام هیكل را دربر می گرفت. انواع پوشش در دوران صدر اسلام این گونه بوده و ازار در آن زمان و در تمامی ادوار پیش از اسلام به معنای چادر بزرگ یا پوششی است که زنان مشرق خود را با آن می پوشاندند. ازار قطعه پارچه نخی بوده که زنان هنگام بیرون رفتن از خانه آن را می پوشیدند، یک طرف آن را از پشت سر به روی پیشانی می انداختند و با نواری که در داخل آن دوخته بودند می بستند و بقیه آن از پشت و اطراف دیگر بدن آویزان می شد. (عبدیایی، ۱۳۸۵: ص ۱۵-۱۶)

نوع پوشاک در دوره های دیلمیان و غزنویان، همان پوشش دوره سامانیان است. در این دوران زنان از پوشش سنتی چادر و روبندهای ابریشمی برای حجاب و پوشش خود استفاده می کرده اند، که در رنگ های مختلف زرد و آبی و سیاه می بود. (موسوی، ۱۳۸۸: ص ۳۱۰، ۳۰۹) در دوره ایلخانان مغول نیز پوشش زنان عبارت بود از چادر و مقنعه و بُرَق (روبنده، نقاب) و شلوار و پیراهن و کفش. رنگ چادر زنان طبقات پایین جامعه معمولاً سفید بود. برقع یا روبند در برخی موارد از موی اسب تهیه می گردید. (کلاویخو، ۱۳۷۴: ص ۱۶۲) به روسری و چارقد زنان هم معجّر گفته می شد. (جوینی، بی تا: ص ۱/ ۷۷) که شاید به نحوی آن را بر روی صورت می بستند. ابن بطوطه درباره پوشش زنان هنگام خروج از منزل مینویسد: «زنان ایرانی هنگام خروج از منزل حجاب داشتند و بُرَق بر رخ می افکندند، بطوریکه هیچ گوشه ای از بدن آنها نمایان نبود.» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ص ۱/ ۲۵۱) در دوره صفویه نیز پوشش زنان شامل سربند، مقنعه، چارقد و یا دستاری کلاه مانند بود، داشتن چادر، به هنگام خروج از خانه به گونه ای که از سر تا پا، بدن و صورتشان را می پوشاند. (سانسون، ۱۳۷۷: ص ۸۰-۷۹)

۲. نوع پوشش زنان در خانه در دوره قاجار با نگاهی به آثار سیاحان خارجی :

۱.۲. نوع پوشش زنان در خانه براساس مشاهدات سیاحان خارجی از ابتدای تاسیس دولت قاجار تا پیش از انقلاب

مشروطه:

با مرگ کریم خان زند و آغاز مجدد تلاش برای کسب قدرت، سرانجام از میان مدعیان، آقامحمد خان قاجار (۱۲۱۱- ۱۲۱۰ق/ ۱۷۹۶- ۱۷۹۵ م) به حکومت بر ایران دست یافته و آرامش نسبی برقرار گردید و متعاقباً زمینه های حضور سیاحان خارجی در ایران فراهم گردید. با توجه به مشاهدات سفرنامه نویسان که در دورانهای مختلف حکومت پادشاهان قاجار به ایران سفر کرده اند نوع لباس و نوع پوشش آنها در منزل و بیرون از منزل، رنگ و جنس لباس ها، لباس تابستانی و زمستانی بین زنان طبقات بالا و پایین جامعه و زنان شهری و روستایی و اقلیت های دینی این دوره متفاوت بوده است. در این دوره لباس زنان از ابتدای تشکیل این دولت توسط آقامحمدخان قاجار تا دوره ناصرالدین شاه دچار تغییراتی شده به خصوص بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ در پوشش بانوان تغییراتی حاصل شد. در ارتباط با نوع پوشش زنان در خانه در دوره آقا محمد خان میتوان به سفرنامه اولیویه فرانسوی اشاره کرد. اولیویه در ارتباط با نوع پوشش اندورنی زنان در این دوره مینویسد: «البسه زنان با لباس مردان تفاوت دارد. شلوار گشادتر، اما آکنده از آستر [است] و تا پای ساقین، هیچ نمایان نباشد و معلوم نگردد. پیراهن از ابریشم و غیره باشد. لباسی که از روی پیراهن در بر کنند، از پیش گشاده شود و به وسیله تکمه های ابریشمی یا فلزی بسته شود و تا به زانو برسد. (اولیویه، ۱۳۷۱: ص ۱۵۶-۱۵۷)

در دوره فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ق/ ۱۸۳۴- ۱۷۹۷م)، پیراهن بانوان ایرانی نیز بمانند پیراهن شوهران شان بسیار کوتاه است و با دگمه ای زرین و مروارید نشان به گردن بسته می شود. پارچه پیراهن ها را از ابریشم ظریف گلدوزی شده انتخاب می کنند و دور یقه آن دو سه ردیف مروارید کوچک می دوزند. زنان نیز مانند مردان پیراهن را بر روی شلوار می کشند. از روی پیراهن نیمه تنه ای بنام (ارخالق) که معمولاً از اطلق آستر دار است بر تن می کنند. لباس روئی به نام (چاپگین) برای زنان در نظر گرفته شده است. چاپگین جامه بی یقه و جلو بازی است که زیر کمرگاه آن سه دگمه

کنار هم دوخته اند، چاپگین از چپ بر راست روی هم افتاده است و در سمت راست دگمه می خورد. بلندی دامن لباس‌ها با مرور زمان تغییر می یابد. لباس بانوان ایرانی سابقاً بسیار بلند بوده و تا پنجه پا می رسیده است. ولی رفته رفته دامن لباس‌ها کوتاهتر شده و به صورت نیم تنه ای هائی که حتی به زانو نمی رسد، در آید. اما در عین حال لباس‌های مزبور را از پارچه‌های زربفت گرانبها با حاشیه و گلدوزی‌های زیبا که گاهی دانه‌های مروارید و الماس بر آن می درخشید می دوزند. (دروویل، ۱۳۴۸: ۱/ ص ۶۴-۶۳) در دوران محمد شاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق / ۱۸۴۷-۱۸۳۴ م)، زنان پیراهنی قرمز یا آبی که معمولاً از پارچه لطیف و نازکی است بر تن دارند. شلواری عریض به نام زیر جامه به پا میکنند و نیم تنه ای بسیار تنگ به نام ارخالیق بر تن دارند. (سولتیکف، ۱۳۸۱: ص ۹۱)

در دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۵-۱۸۴۷ م) با حجم زیادی از سفرنامه نویسان خارجی مواجه هستیم که هر کدام به دقت شرحی از نوع پوشش زنان ارائه داده اند. از سفرنامه نویسان این دوره خانم شیل همسر وزیر مختار انگلیس میباشد که شرح مفیدی در ارتباط با نوع پوشش زنان دارد. خانم شیل با مهد علیا مادر ناصرالدین شاه ملاقاتی داشته و نوع لباس وی را شرح داده است: « شلیته زربفتی پوشیده بود که این شلیته‌های ایرانی خیلی گشاد هستند و هر لنگه شان حتی از دامن‌های اروپایی نیز فراخ تر است، و چون دامن فتری هنوز برای زنان ایرانی ناشناخته مانده، لذا زنهای شیک پوش معمولاً ۱۰ الی ۱۱ شلیته بپا می کنند و آنها را در بالا با بند قیطانی می بندند تا جایگزین فنر زیردامن شود، لبه‌های شلیته مادر شاه با یک ردیف مروارید نصب شده در روی گلابتون، تزئین گردیده بود. یک زیرپوش نازک آبی رنگ ابریشمی نیز بتن داشت که لبه هایش مروارید دوزی شده بود و تا زیر کمر و بالای شلیته‌ها ادامه می یافت. روی این زیرپوش یک جلیقه کوتاه از مخمل بتن داشت که تا کمر می رسید و لبه‌های آن در پایین از هم دور می شد. روی سرش نیز یک روسری شال انداخته بود که در زیر چانه بوسیله سنجاق بهم متصل می شد و روی این شال رشته‌هایی از مروارید درشت و قطعاتی از الماس نصب بود.» (شیل، ۱۳۶۸: ص ۷۴-۷۳) مادام دیولافوا، در ارتباط با حجاب خانم‌ها می نویسد: « که چهارقدی ابریشمی و سفید که با سنجاق زیر گلو بسته می شود و پیراهنی نازک که در جلو آن چاک داشته و تنبانی که ممکن است از جنس ابریشم بنارس

باشد و تا زانو می‌رسد و تنها زنان مسن تنبان‌های بلند از جنس متقال و چلوار سفید می‌پوشند.» (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۱/ص ۱۹۲) دکتر ویلز انگلیسی، یکی از سیاحان دیگر در این دوره در ورود به حرمسرای یکی از رجال ثروتمند برای معالجه همسرش نوع پوشش اندورنی زنان حرم را به این صورت توصیف میکند: «عده‌ای از زنان در حالیکه با گوشه چارقد (یک نوع روسری بزرگ معمولاً رنگ سفید) خود ضمن پوشاندن چانه و دهان حالت یاشماق* بخود گرفته بودند. اغلب آنها بدون جوراب بودند و یا دمپائی‌های پارچه‌ای زیبا و رنگارنگی بپا داشتند. در اینجا حتی دختر بچگان ده دوازده ساله هم مراعات عفت را می‌کردند و روسریهایی بسر داشتند. ویلز دامن زنان را به حالت چتری تشبیه میکند. دامن آنها در اثر پوشیدن تعدادی زیردامنی و لباسهای دیگر بالا آمده و حالت چتری بخود گرفته بود. دامن اصلی و رویی آنها از ابریشم خالص و به الوان مختلف بود. در حقیقت دامنی چند ترک که هر ترک آن رنگی دیگر مخلوطی از رنگهای بنفش، لیمویی، سرخ ارغوانی با حاشیه‌ای طلایی داشت و تا بالای زانوهایشان می‌رسید. هر یک از آنها نیم تنه‌ای از مخمل رنگی با گل‌های برودری دوزی شده بسر داشتند که بوسیله سنجاق طلایی یا قوت نشانی از زیر گلویشان محکم شده بود. (ویلز، ۱۳۶۸: ص ۷۷-۷۹) ویلز در مورد پیراهن زنان در این دوره و اینکه تغییراتی زیاد کرده اند می‌نویسد: «در حال حاضر اولین لباس زیر زنان ایرانی عبارت از پیراهن کوتاه زنانه است که در زنان طبقه پائینتر از پارچه‌های چیت، برنگ سفید یا آبی تهیه می‌گردد و درازای آن تا به قسمت بالای ران می‌رسد. که در زنان طبقه بالاتر جنس آن بیشتر از پارچه‌های ابریشمی می‌باشد. زنان شیراز اغلب پیراهنهایشان از پارچه‌های نخ‌ی لطیف گلدوزی و برودری دوزی شده با نخ سیاه است. و در زنان ثروتمند و اعیان جنس پیراهن از پارچه‌های توری نازک با برودری دوزی و گلدوزی شده از نخ‌های طلائی با دامن و حاشیه مروارید دوزی شده می‌باشد که اندازه این نوع پیراهن‌ها کاملاً کوتاهتر است.» (همان، ص ۳۶۵) سرانداز زنان عبارت از پارچه چهارگوش اغلب برودری دوزی شده از جنس ابریشم یا نخ‌ی بنام چارقد است که از زیر چانه و گلو بوسیله سنجاقی محکم میگردد. گاه نوع پارچه آن به شال یا تور و شال کشمیری اغلب برودری دوزی شده تغییر

* یاشماق روسری مخصوص زنان مسلمان ترکیه میباشد. (ویلز، ۱۳۶۸: ص ۳۴)

میباشد. زنان در عین حال کلاه کوچک قشنگی که قسمتی از وسط و کلاهک سر آنانرا را میپوشاند بروی سر میگذارند و بدون استثناء همه این نوع کلاهکها گلدوزی و برودری دوزی شده و جنس آن از پارچه های ابریشم، شال و پارچه های رنگی و ظریف دیگری نظیر آنست. (همان، ص ۳۶۵، ۳۶۶)

خانم کارلا سرنا، یک جهانگرد زن ایتالیایی بعد از توصیف نوع پوشش زنان عادی در یکی از مهمانی های خانم عصمت الدوله دختر ناصرالدین شاه حضور می یابد و با دقت نوع پوشش اندورنی بانوان حرم و عصمت الدوله را شرح میدهد: «لباس زنان ایرانی در خانه، بسیار نمایشی و پرطمطراق است. آنها پیراهن زیرپوش ماندی که از توری نازک دوخته شده است، می پوشانند و روی آن را با دست، نقش و نگار با سنگهای قیمتی گل بوته می دوزند.» (سرنا، ۱۳۶۲: ص ۲۲۹) نوع پوشش زنان حرم دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه تفاوت هایی داشته است. در دوره فتحعلی شاه خانم ها جامه های ابریشمی و حریر و شلوارهای گشاد و مخملی و کت های گلدوزی می پوشیدند، اما شاه فعلی سبک آرایش زنانه آزادتری را باب کرده است. قسمت فوقانی لباس شامل پیراهنی است که در زیر جاکت کوتاهی است که در پایین آن زیر دامن های خیلی کوتاه و جادار بکار می بردند.» (کرزن، ۱۳۶۲: ۱/ص ۵۳۷-۵۳۸)

در اواسط حکومت ناصرالدین شاه طبق بررسی آثار سیاحان خارجی با توجه به سفرهای زیاد ناصرالدین شاه به اروپا و مشاهده فرهنگ های کشورهای مختلف بعد از بازگشت شاه به ایران نوع و سبک پوشش زنان حرمسرا و بالطبع سایر زنان تغییراتی داشته است. بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و مشاهده بالرین های پترزبورگ در روسیه باعث شد که در لباس زنان در این دوره تغییراتی حاصل شود. «زنها شروع به کوتاه کردن زیر جامه ها کردند، هر چه جلوتر می رفت زیر جامه ها کوتاهتر می شد تا بالاخره زیر جامه های کوتاه منسوخ گشت و نیم تنه و چادر نماز جای این لباس را گرفت. نیم تنه ای که بجای ارخالق سابق بود با آستین شمشیری ساده و یقه برگردان یا عربی بسته برای پوشاندن بالاتنه بکار می رفت و گاهی چادر نماز کوتاهی از همان پارچه نیم تنه به کمر می بستند.» (نجمی، ۱۳۶۴: ص ۶۶۲، ر.ک: رایس، ۱۳۸۳: ص ۱۱۵، بل، ۱۳۶۳: ص ۶۲-)

۶۳، بایندر، ۱۳۷۰: ص ۱۱۲-۱۱۳، موزر، ۱۳۵۶: ص ۲۶۸) تاج السلطنه یکی از دختران ناصرالدین شاه در خاطراتش نسبت به تغییرات لباس این دوره اشاراتی دارد: «پدرم حکم کرده بود لباس فرنگی و اغلب صورتی و سفید به من بپوشانند. هر روزه، در تفحص پارچه های ممتاز برآمده، اقسام لباس ها را برای من دوخته، با گل ها زینت می دادند.» (تاج السلطنه، ۱۳۶۱: ص ۳۱) بنجامین^۹ نخستین سفیر آمریکا در ایران به تفاوت های لباس خانگی طبقات اعیان و پایین جامعه اشاره میکند و مینویسد: «لباسهای داخل خانه زنان سابقاً شیک تر و مجلل تر از امروزه بود، لباسهایی که اکنون معمول است از نوع لباسهای کوتاه است که اندام را بیشتر می نمایاند، فرم و شکل لباس خانه زنان از طبقات بسیار عالی تا فقیر مشابه یکدیگر است و فقط از نظر نوع پارچه، رنگ، قلابدوزی، گلدوزی و کارهای دستی که روی آنها شده است از یکدیگر مشخص میشوند.» (بنجامین، ۱۳۶۳: ص ۸۴) به طور کلی میتوان نتیجه گرفت که در دوره ناصرالدین شاه به واسطه سفرهای سه گانه شاه (۱۲۹۰ هـ ق / ۱۸۷۲ م. ۱۲۹۵ هـ ق / ۱۸۷۸ م. ۱۳۰۶ هـ ق / ۱۸۸۸ م.) و نیز درباریان به اروپا تأثیراتی در نوع پوشش زنان به ویژه در تهران به وجود آمد. از جمله این تغییرات میتوان به لباس های کوتاه به تقلید از غرب، شلواریهای چسبان و نازک و دامن هایی کوتاه که روی آن را می پوشانند و شلیته های کوتاه و روسری های سفید ساده اشاره کرد.

۲.۲. نوع پوشش زنان در خانه بعد از انقلاب مشروطه:

در دوران مظفرالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۶-۱۹۰۷ م) نیز سیاحانی به ایران مسافرت کرده و شرح مفیدی راجب به پوشش اندرونی زن ایرانی در دوره قاجار داده اند. کلودانه^{۱۰} از سیاحان این دوره به نقش روی پارچه های دوخته شده و جنس آنها توجه بیشتری نشان داده است: «یکی از نقشهای محبوبی که روی اکثر پارچه لطیف ابریشمی دیده می شد طوطی بزرگی با رنگهای گوناگون و چشم نواز بود که در میان انبوه گیاهان بر شاخساری نشسته بود. من این نقش طوطی را بر روی بسیاری از نیم تنه های زنانه، متعلق بع عصرهای مختلف دیده ام که به صورتهای گوناگون

^۹. Benjamin

^{۱۰}. Claude Anet

گلدوزی، قلابدوزی یا مليله دوزی شده است. (آنه، ۱۳۷۰: ص ۱۵۰) زنان در خانه دو یا سه زیر جامه کوتاه می پوشند که بتقلید از رقاچه های اروپائی در ایران مد شده است و نیم تنه ای هم می پوشند که آن را یل می گویند. این نیم تنه غالباً زر دوزی شده و آستین درازی دارد که سر آن بشکل مثلث برگشته و با طلا و مروارید زینت شده است. زنان در خانه شلوار تنگی بپا دارند و در روی آن تنبان کوتاهی می پوشند که دامن آن تا سر زانو می آید و آنرا معمولاً شلیته می گویند. خانمها در موقع پذیرایی از مهمانان پارچه ای بکمر می بندند که موسوم است بچادر نماز و دنباله آن روی زمین زنان اعیان ایرانی در موقع پذیرایی دوستان کشیده میشود. پیراهن آنها از ململ سفیدی است که زردوزی شده و دارای آستین های بلندی است که در مچ دست با تکه هایی بازو بسته میشوند. زنان پارچه سفیدی بر سر دارند و آنرا چهارقد می گویند. این پارچه سر و گوشها و اطراف صورت را می پوشاند و کناره های آن در زیر چانه بوسیله سنجاقی بهم اتصال میابند. (دالمانی، ۱۳۳۵: ص ۲۸۹، ۲۸۷-۲۹۱) اکنون در بیشتر حرمسراها همان لباس فوق الذکر معمول است ولی چندیست که در پایتخت لباس بلند اروپایی هم معمول شده است و پاره ای از خانمها تمایلی به آن پیدا کرده اند. (همان، ص ۲۹۱)

۳. نوع پوشش زنان بیرون از خانه (بازار، تعزیه، گردش و زیارت):

۱.۳. نوع پوشش زنان بیرون از خانه از ابتدای تاسیس دولت قاجار تا پیش از انقلاب مشروطه:

پوشش زنان شهری از طبقات بالا و مرفه و جامعه و همچنین زنان بزرگان و حرمسرای شاهان و طبقات پایین جامعه بیرون از منزل به همراه چادری معمولاً به رنگ آبی سیر و روبنده سفید همراه بوده است و ولی زنانی که در روستاها زندگی می کردند، آزادانه تر می توانسته اند به انجام فعالیت های خود بپردازند و طبق گزارشات سیاحان اروپایی زنان روستایی و عمدتاً عشایری با توجه به اینکه در فعالیت های خانوادگی و اقتصادی ایل نقش مهم تری داشتند معمولاً بدون روبنده و چادر در ایل حضور داشتند و هنگام سفر به شهر و محل های دیگر عمدتاً مانند زنان شهری حجاب خود را رعایت می کردند. در دوران آقامحمد خان، اولوییه در ارتباط با نوع پوشش بانوان در بیرون از منزل و چادر آنان در مینویسند: «زنان چون از خانه بیرون روند، خود را در چادری می پیچند، گیسوان را بافته و به عقب ارسال کنند. زلفها را کوتاه بریده، در پیشانی چنبر کنند و در بناگوش تا به ساحت

روی، فرود آورند. عصابه (سربند و دستار) و کرزن (گرزن)، نیم تاجی که از دیبا باشد و اکلیل (جمع کلیل = سربندها و تاج ها) بر حسب شأن و شوکت و ثروت متفاوت باشد. چارقادی که برای پوشانیدن سر است، استعمال نمایند که به چندین صورت مختلف و گوناگون به کار برند و به پشت و شانه افکنند و یا در زیر گلو سنجاق کننده یا به دور حلق ببیچیند و یا دور سر بگردانند. (اولیویه، ۱۳۷۱: ص ۱۵۶-۱۵۷) کنت دوسرسی^{۱۱} که در زمان محمد شاه به ایران مسافرت کرد در ورود به شهر قزوین به تعداد زیاد زنانی اشاره میکند که همگی چادر بر سر داشتند. (دوسرسی، ۱۳۶۲: ص ۱۳۵) در دوران ناصرالدین شاه، زنان به هنگام گشت و گذار و خرید در بازار خود را کاملاً در پوشش ضخیمی فرو می برد. این پوشش که از نوک پا تا سرش را فرا می گیرد به صورت زیر است، یک چادر بلند که تمام بدن را دربر گرفته و روبنده ای به شکل پوشش کتانی سفید رنگ، که آن را روی چادر به سر میکنند، تا تمام صورت را بپوشاند و در جلو دارای دریچه مشبکی است که برای دیدن و نفس کشیدن تعبیه شده است. پس از آن چاقچور است که آن را به جای چکمه و شلوار بپا می کنند و پیراهن و زیرپوش خود را در آن جا می دهند. و بالاخره کفشهای تنگ و راحتی است که بزحمت نیمی از کف پا را می گیرد. (شیل، ۱۳۶۸: ص ۶۳-۶۴، دوگوبینو، ۱۳۸۳: ص ۳۰۸-۳۰۹) به هنگام زیارت رفتن نباید فراموش کرد که همه زنان چنان به دقت حجاب بر سر دارند و پوشش خارجی شان چنان شبیه یکدیگر است که امکان ندارد نافذترین چشمها بتواند یکی از آنان را از دیگری تشخیص بدهد. (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ص ۳۱۲-۳۱۳)

زنان در قزوین شلوارهای بلند سبز تیره رنگی به پا دارند و کفشهایشان هم به همان رنگ است. (بروگش، ۱۳۷۴: ص ۷۸، اورسل، ۱۳۸۲: ص ۲۰۴) علاوه بر زنانی که از قشرهای ضعیف و بالای جامعه همگی چادر و روبنده استفاده می کردند، زنان حرمسرای شاه نیز هنگام بیرون رفتن از حرم، نظیر کلیه زن های ایرانی سروصورت خود را زیر چادر و روبنده میپوشاندند. (اورسل، ص ۲۲۸، کرزن، ۱۳۶۲: ص ۵۳۷-۵۳۸) چادر سیاه با بنفس ریشه دار یا ابریشمی که در یزد بافته می شده

^{۱۱}. Conte de sercey

بسیار با دوام بوده و زنان اشرافی دوره قاجاریه اطراف این چادرهای سیاه را با گلابتون دوزی و حاشیه نقره ای تزیین می کرده اند و بعد این کار منسوخ شد و به جای آن، حاشیه سرخود به رنگ های آبی، قهوه ای و سفید به عرض دو انگشت در اطراف چادر مشکی معمول شد. (شهشهانی، ۱۳۷۴: ص ۱۷۱)

۲.۳. نوع پوشش زنان بیرون از خانه بعد از انقلاب مشروطه:

در دوران مظفرالدین شاه سیاحانی که به ایران مسافرت کرده اند شرح مفصلی از نوع پوشش زنان بیرون از منزل و در بازار و گردشها و همچنین تعزیه را با دقت توصیف کرده اند. زن ایرانی هنگامی که میخواهد از خانه بیرون رود باید چاقچور بپوشد. چاقچور شلوار بسیار گشادی است که در مچ پا، باریک می شود و جورابی هم از همان پارچه به آن متصل است. زن علاوه بر چاقچور چادر سیاهی که تمام بدن او را می پوشاند و روبندی هم در جلوی صورت می آویزد. روبند پارچه طویل سفیدی است که از پشت سر بتوسط قلابهایی بسته و باز میشود. این قلابها معمولا با سیم و زر ساخته شده و با احجار گرانبها زینت یافته اند. روبند در مقابل چشمان تور مشکی دارد بطول ۱۷ سانتیمتر و ارتفاع ۹ سانتیمتر تا اینکه زن بتواند جلو خود را ببیند. (دالمانی، ۱۳۳۵: ص ۲۹۲)

سون هدین^{۱۲} درباره حجاب زنان طبرس در همین دوره مظفرالدین شاه می نویسد: «چادر خانمهای اعیان طبرس مثل چادر خانمهای شهرهای بزرگ، سفید است و جلو صورت و چشمها روبند دارد. چادر زنهای طبقه پایین - که به رنگ آبی بود- پارچه ای بود که دور بدن و سر پیچیده شده بود. طبرس به خاطر تعصبات مذهبی اش معروف است و استفاده از چادر در اینجا با شدت هر چه تمام تر معمول است.» (هدین، ۱۳۵۵: ص ۴۳۸)

اگر زنی خیال بازار رفتن داشته باشد، بندرت تنها می رود. همه زنان شهری با حجاب کامل بیرون می روند. لباس کوچه و بازار زنان شهری متحدالشکل، اما کیفیت آن تا حد زیادی متفاوت است. زنان طبقه فرادست چادرهایی از ساتن مشکی یا ابریشم گرانتقیمت به سر می کنند. حاشیه باریک رنگی

^{۱۲} . Sven Hedin

را همیشه باقی می گذارند که خود نوعی تزیین و نشانه تشخیص چادرها از یکدیگر، به خصوص زمانی که چادرها تا شده است، به شمار می رود. روبند که از جنس پارچه کتانی ظریف یا قمیص تهیه می شود، با رشته های نخ به صورت تور درآمده و تنها از این طریق می توان به دنیای خارج نظر افکند. روبند به وسیله یک سگک یا قزن قفلی به پشت سر محکم و بسته می شود. چاقچور یا شلوار گشاد و بلند و کف دار زنانه که در کوچه و بازار به پا می شود به رنگهای آبی روشن، سبز، بنفش مایل به ارغوانی سیر است. چاقچور در قسمت کف پا تنگ می شود و پاچه های شلوار جمع شده و در آن جای می گیرد.» (رایس، ۱۳۸۳: ص ۱۱۷، ۱۴۱-۱۱۹) در اواخر دوران قاجار طبق مشاهدات سفرنامه نویسان زنان به جای روبند از پیچه استفاده می کردند، که از جنس موی سیاه اسب تهیه می شد و پیچه ها را زیر چادر به سر می بستند و پیچه ها خنک تر و بر چهره انداختن آن راحت تر بود. (همان، ۱۱۹)

۳.۳. نوع پوشش زنان در مراسم عزاداری ماه محرم:

حضور زنان در مراسم تعزیه با توجه به نوشته های سفرنامه نویسان همواره با حجاب و همان پوشش چادرهایی به رنگهای مشکی و سورمه ای و روبنده ای هایی سفید رنگ بوده است. چارلز ادوارد بیت^{۱۳} از سیاحان در دوره قاجار به پوشش و حجاب زنان در مراسم تعزیه و عزاداری ماه محرم در مشهد اشاراتی دارد و مینویسد: «تعداد زنان به نحو قابل توجهی زیاد بود، در طول ماه محرم به زنان اجازه داده می شود تا در مراسم عزاداری شرکت جویند، البته همه زنان پوشیده و کاملاً حجاب را رعایت کرده بودند.» (بیت، ۱۳۶۵: ص ۱۳۵) (در ارتباط با حجاب و پوشش زنان در مراسم تعزیه دوره قاجار ر.ک: شیل، ص ۶۹، / سرنا، ص ۱۶۸، / بل، ص ۴۴ / اورسل: ص ۳۳۹ / ویلز، ص ۳۲۶ / بنجامین: ص ۲۹۰-۲۹۱)

۴. نوع پوشش زنان اقلیت های دینی (ارمنی، زرتشتی، یهودی):

^{۱۳}Charles Edward Yate.

۱.۴. نوع پوشش زنان ارمنی از ابتدای تاسیس دولت قاجار تا پیش از انقلاب مشروطه:

نوع پوشش زنان اقلیت های دینی در دوره قاجار با توجه به نوشته های سفرنامه نویسان در آن دوران متفاوت از سایر زنان ایرانی بوده است و شرایط محل زندگی و اعتقادات مذهبی آنان در نوع پوشش شان تاثیرگذار بوده است. در دوران ناصرالدین شاه در میان زنهای ارمنی، پوشانیدن دهان در هر کجا که هستند و حتی در منزل رعایت میشود و انزوا طلبی آنها، مخصوصا در زنهای شوهردار به مراتب از آنچه بین زنهای ایرانی شیوع دارد بیشتر و شدیدتر است. (شیل، ۱۳۶۸: ص ۲۰۱) به گفته سیاحان، زنان ارمنی با پوششی که عمدتا شامل پیراهن های قرمز رنگ و چادرهای سفیدی که بر سر داشتند آزادانه در رفت و آمد بودند. (بیشوپ، ۱۳۷۵: ص ۳۰، کرزن، ۱۳۶۲، ۲/ ص ۶۳-۶۴) زنها با همان لباسهای قدیمی رنگارنگ هر کدام روسری کلاه مانندی بسر داشتند که لبه این کلاهها با نواری طلایی پوشیده از انواع سکه و مهره های رنگارنگ زینت یافته بود. شلووارهای بلند گشادی که سرتاسر شلوار تا دهنه پای آن برودری دوزی شده بود بپا داشتند. دختران ارمنی، پس از ازدواج کفشها و جورابه های پشمی ضخیم رنگی بپا و دامنه های بلندی تا بالای ساقها بتن داشتند و نیم تنه ای قرمز رنگ بر روی لباسهایشان می پوشیدند. پیراهن ها عموما سرخ یا سبز سیر و معمولا یقه باز بود. کمربندی از مس تزیین شده یا متشکل از حلقه های نقره ای از روی لباس بکمر می بستند. موی سرشان در زیر روسری بلندی که بروی سرشان خورده بود کاملا پوشیده می ماند. در حالیکه هر یک از آنها با یک تکه پارچه نازک سفید ابریشمی جلو دهان و بینی خود را بسته بودند. زنها آنچنان به این تکه پارچه بسته شده جلو بینی و دهان خود عادت دارند که حتی بهنگام خواب هم آنها از مقابل دهان خویش باز نمی کنند. این یکنوع وسیله علامت شرم و حیا در بین این زنها می باشد. (ویلز، ۱۳۶۸: ص ۱۷۷)

۲.۴. نوع پوشش زنان ارمنی بعد از انقلاب مشروطه:

نوع پوشش زنان ارمنی در دوران مظفرالدین شاه همانند دوران های گذشته و به همان سبک بوده است اما زنان پیراهن هایی به رنگ قرمز و زرد می پوشیدند و چادرهای سفیدی به خود می پیچیدند، صورت آنان پوشیده نیست ولی سر خود را با کلاه نازکی پوشیده و بر روی کلاه پارچه

سفیدی انداخته اند. لباس زنان بیشتر به رنگ قرمز است و ساق پا را با شلووارهای رنگین گشاد پوشانده اند، روپوشی از پارچه پنبه ای قرمز یا سفید بر تن دارند که دارای چین های زیادی است و دامن آن تا زانو میرسد. عموم زنان از غنی گرفته تا فقیر تمام دارای همین لباس هستند فقط جنس پارچه گرانبها و جواهراتی که برای زینت بکار برده اند موجب تشخیص زنان ثروتمند میشود. زنان کمر بند نقره ای نیز بکمر بسته اند و کلاه ظریفی از ماهوت یا پارچه ابریشمی گلدوزی شده بسر دارند و دستمال سفیدی از ململ سفید بر روی کلاه انداخته اند. در پایین صورت هم پارچه ای بسته اند که دهان و چانه آنها را پوشانده است. (دالمانی، ۱۳۳۵: ص ۸۹۵-۸۹۶)

۳.۴. نوع پوشش زنان زرتشتی و یهودی از ابتدای تاسیس دولت قاجار تا بعد از انقلاب مشروطه:

سیاحانی که در دوران ناصرالدین شاه قاجار به نوع پوشش اقلیت های دینی توجه داشته اند، در ارتباط با نوع پوشش زرتشتیان عمدتاً اشاره خاصی به لباس زنان نداشته و فقط به رنگ لباس هایی که این اقلیت می پوشیدند توجه نشان داده اند و عمدتاً لباس های آنان کم رنگ و زرد میباشد. (در این ارتباط ر.ک: جکسون، ۱۳۸۷: ص ۴۲۴، بنجامین، ۱۳۶۳: ص ۲۶۸، کرزن، ۱۳۶۲: ۱/۲ ص ۲۹۴) مک گرگر^{۱۴} در ارتباط با نوع پوشش زنان زرتشتی در این دوره به این صورت اشاره میکند: «آنها طرفدار رنگهای متنوعی می باشند. سرپوشی رنگارنگ به سر می گذارند. پیراهن آبی یا چهارخانه می پوشند و شلوار خال خال به پا می کنند.» (گرگر، ۱۳۶۶: ص ۷۹) در اواخر دوران قاجار زنان زرتشتی شلووارهای گشاد به پا می کنند که تا فوزک پایشان می رسد، روی آنها کتلهای گشاد می پوشند، دستمال های رنگی به سر می بندند و چادری هم به سر می کنند. معمولاً دامن و شلوار آنان با یراقهای بسیار پهنی از رنگهای روشن تزئین می شود. بیشتر لباسهای آنان ابریشمی است و در یزد بافته می شود.» (رایس، ص ۳۱) زنان یهودی نیز در این دوران با توجه به نوشته های سفرنامه نویسان حجاب داشته و هنگامیکه به بیرون از خانه میرفتند چادری بسر می انداختند و روی خود را میپوشاندند. (دالمانی، ۱۳۳۵: ص ۹۵۱) زنان یهود روبند بر چهره نمی زنند، اما چادر سیاهی را که همه

^{۱۴}. Macgregor

زنان شهرنشین مسلمان بیرون از خانه به سر می کنند پذیرفته اند و صورت خود را کاملاً می پوشانند. در خانه دامنهای نسبتاً بلند، بلوز آستین کوتاه، و کت می پوشند. چارقدی نیز به سر می کنند و آن را زیر چانه سنجاق می زنند. (رایس، ۱۳۸۳: ص ۳۳)

نتیجه گیری: با توجه به مشاهدات سیاحان خارجی که در دوره قاجار به ایران مسافرت کردند، میتوان نتیجه گرفت نوع پوشش اندرونی زنان از طبقات فقیر و غنی مشابه یکدیگر بود، فقط از نظر نوع پارچه، رنگ، فلابدوزی، گلدوزی و کارهای دستی که روی آنها شده است از یکدیگر مشخص میشد. زنان در اوایل دوره قاجار پیراهنی به تن می کردند که پارچه آنها عمدتاً از ابریشم گلدوزی شده انتخاب میشد. روی پیراهن نیم تنه ای به نام ارخالق می پوشیدند. زنان در خانه گاهی چادر شب رنگی خیلی سبک بر سر می کردند. جنس پیراهن زنان طبقات پایین تر از پارچه های چیت به رنگ سفید و یا آبی تهیه میشد که در طبقات بالاتر جنس آن از پارچه های ابریشمی بود. بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ در نوع پوشش بانوان نیز تغییراتی به وجود آمد چنانکه به جای زیر جامه های کوتاه، نیم تنه و چادر نماز مورد استفاده قرار می گرفت. نوع پوشش بیرونی زنان همراه با چادری به رنگ مشکی و سورمه ای و نیلی رنگ بوده است که زنان علاوه بر آن از روبنده ای سفید نیز استفاده می کردند. در اواخر دوره قاجار زنان به جای روبنده عمدتاً از پیچه استفاده می کردند. زنان ارمنی عمدتاً پیراهن هایی به رنگ زرد و قرمز به تن داشتند و بیرون از خانه چادرهای سفیدی به سر داشتند و با پارچه ای سفید و کتانی دور چانه و دهان خود را می پوشانیدند. زنان زرتشتی نیز دستمال های رنگی به سر می بستند و چادری هم به سر می کردند و جنس لباس هایشان عمدتاً ابریشمی بود. زنان یهودی همانند سایر زنان مسلمان در این دوره هنگام بیرون رفتن از خانه چادرهای سیاهی به سر می کردند و صورت خود را کاملاً می پوشیدند.

منابع

۱- ابن بطوطه. (۱۳۷۰). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، جلد اول، بی جا: آگاه، چاپ پنجم.

۲- اورسل، ارنست. (۱۳۸۲). سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳- اولیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات، چاپ اول.

۴- آنه، کلود. (۱۳۷۰). گل‌های سرخ اصفهان (ایران با اتومبیل)، ترجمه فضل الله جلوه، تهران: روایت، چاپ اول.

۵- بروگش، هینریش. (۱۳۷۴). درس‌رزمین آفتاب، دومین سفرنامه هینریش بروگش، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.

۶- بایندر، هانری. (۱۳۷۰). سفرنامه هانری بایندر، ترجمه کرامت الله افسر، تهران: فرهنگسرا، چاپ اول.

۷- بل، گرتروود. (۱۳۶۳). تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزمی.

۸- بنجامین، ساموئل گرین ویلر. (۱۳۶۳). ایران و ایرانیان، «عصر ناصرالدین شاه»، نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران، ترجمه محمد حسین کرد بچه، تهران: جاویدان.

۹- بیشوپ، ایزابلا. (۱۳۷۵). از بیستون تا زردکوه بختیاری، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: آنزان، چاپ اول.

۱۰- تاج السلطنه، (۱۳۶۱). خاطرات تاج السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.

۱۱- جکسون، آبراهام والتاین ویلیامز. (۱۳۸۷). سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال، مترجمان منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

- ۱۲- جمالی زاده، احمد. (۱۳۸۹). «پوشش زنان در ایران پیش از اسلام»، مطالعات ایرانی، شماره ۱۷، ص ۶۷ تا ۸۶.
- ۱۳- جوینی، علالدین عطاملک. (بی تا). تاریخ جهانگشای جوینی، جلد اول، بی جا: بامداد، چاپ دوم.
- ۱۴- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۰). زن به ظن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان، جلد اول، تهران: شهر آب.
- ۱۵- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری: مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحتی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ترجمه فره وش (مترجم همایون)، تهران: امیر کبیر، ابن سینا.
- ۱۶- دروویل، گاسپار. (۱۳۴۸). سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، جلد اول، تهران: گوتنبرگ، چاپ دوم.
- ۱۷- دیولافوا، مادام ژان. (۱۳۶۱). سفرنامه (مادام دیولافوا)، ایران و کلده و شوش، ترجمه و نگارش فره وش (مترجم همایون)، جلد اول، تهران: کتابفروشی خیام، چاپ دوم.
- ۱۸- رایس، کلارا کولیور (هوموند). (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، سفرنامه کلارا رایس، ترجمه اسد الله آزاد، تهران: کتابدار.
- ۱۹- سانسون (۱۳۷۷). سفرنامه (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان)، ترجمه محمد مهریار، اصفهان: گل ها.
- ۲۰- سرسی، کنت دو. (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰م (۱۲۵۶-۱۲۵۵ه.ق)، سفارت فوق العاده کنت دوسرسی، ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۱- سرن، کارلا. (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلا سرن، آدمها و آیینها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، چاپ اول.

- ۲۲- سولتیکف، الکسیس. (۱۳۸۱). مسافرت به ایران، ترجمه محسن صبا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۳- شهشانی، سهیلا. (۱۳۷۴). تاریخچه پوشش سر در ایران، تهران: مدبر.
- ۲۴- شیل، مری لئونورا (ویت). (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، چاپ دوم.
- ۲۵- ضیاء پور، جلیل. (۱۳۴۳). پوشاک باستانی ایرانیان از کهن ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ۲۶- _____، (۱۳۴۷). پوشاک ایران از کهن ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ۲۷- عبدیایی، نرجس. (۱۳۸۵). «چادر و تاثیرات سیاسی-اجتماعی آن در فرهنگ شیعیان ایران»، بانوان شیعه، شماره ۱۰، ص ۳۶ تا ۳۷.
- ۲۸- فلانندن، اوژن. (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلانندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: اشراقی، چاپ سوم.
- ۲۹- فووریه، ژوانس. (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران: خاطرات فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: علم.
- ۳۰- کرزن، جرج. ن. (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد اول و دوم، تهران: علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۳۱- کلاویخو، روی کنزاس. (۱۳۷۴). سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

۳۲- گویننو، ژوزف آرتور. (۱۳۸۳). سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دوگوبینو (۱۸۵۵-۱۸۵۸). ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

۳۳- مک گرگور، سی. ام. (۱۳۶۶). شرح سفری به ایالت خراسان، ترجمه مجید مهدی زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۴- موزر، هنری. (۱۳۵۶). سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، تهران: سحر، چاپ اول.

۳۵- موسوی، سید قاسم. (۱۳۸۸). «نگاهی بر سیر تاریخی حجاب زنان در فرهنگ ایران» (از عهد باستان تا دوران قاجار)، فرهنگ، شماره ۷۰، ص ۲۹۵ تا ۳۱۸.

۳۶- نجمی، ناصر. (۱۳۶۴). طهران عهد ناصری، تهران: عطار.

۳۷- ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۶۸). ایران در یک قرن پیش «سفرنامه دکتر ویلز»، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال، چاپ اول.

۳۸- هدین، سون. (۱۳۵۵). کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجبی، بی جا: توکا، چاپ اول.